فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۳۲-۲۲۳ New Period, No 17, 2019, P 223-232
شماره شاپا (۷۰۱۸-۲٤۷٦) ISSN (2476-7018)

ضرورت استاد در سیروسلوک و راه شناخت استاد کامل

یونس رضائی
younessrezaei@gmail.com

چکیده
انسان در هر مسیری نیازمند راهنماو محتاج مربّی است. مخصوصا در سیر الی الله و طریق عبودیت، نیاز به استاد و راهنما صد چندان است؛ زیرا خودسری و عدم رجوع به استاد علاوه بر اتلاف عمرو سرمایه‌های وجودی، احتمال شقاوت ابدی را نیز به دنبال دارد. امام سجّاد (ع) می‌فرمایند: هَلَکَ مَن لَیسَ لَهُ حکیمٌ یرشِدُ «به هلاکت می‌افتد هرکسی که حکیمی نداشته باشد که او را راهنمایی وارشاد کند.» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۹) آری، سیر الی الله، مقاطع، مراحل، لغزشگاه‌ها، گردنه‌ها و دشواری‌های فراوانی دارد که عبور از آن‌ها بدون تسلیم در برابر استاد کامل راه و چاه دیده، میّسر نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: استاد کامل، سیروسلوک، عرفان، استاد عام، استاد خاص

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

الف) ضرورت استاد در سیر و سلوک

رسول اکرم (ص) جز برای هدایت امت به سوی خداوند تبارک و تعالی مبعوث نشده‌اند، قرآن کریم می‌فرماید:

وَ انّک لتهدی الی صراط مستقیم صراط الذی له ما فی السماوات و ما فی الارض (شوری، ۵۲، ۵۳) و محققا تو به سوی راه مستقیم هدایت می‌کنی، همان راه خداوندی که برای اوست هر آنچه از آسمان‌ها و زمین است و به رسول الله (ص) می‌فرماید: که اعلام کند. قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة أناو من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین! «بگو این راه من است که من و تابعانم از روی بصیرت و شهود باطنی به الله دعوت می‌کنم، خدا منزه است و من از مشرکان نیستم» (سوره یوسف، ۱۰۸)

مصطفی (ص) اعلام می‌فرمایند که من به همراه تابعانم شما را به الله فرا می‌خوانم و بصیر انه شما را تا الله رهبری می‌کنم. آیه‌ی پیشین، از نورانی‌ترین آیات قرآن کریم است که اسرار بسیاری را در خود گنجانده است:

مطلب اول اینکه تعبیر، «ادعوا الی الله» بیانگر این حقیقت است که رسول الله (ص) فرستادهٔ الهی بوده و مردم را به خدا میخواند و به نزد خدا می‌برد، نه به غیر آن و چیزی فروتر از آن.

مطلب دوم اینکه تعبیر، ادعواالی الله. . . أنا و من اتبعنی «بیانگر این حقیقت است که راهبری و رساندن بندگان خدا به بارگاه الهی و مقام خلیفهٔ اللهی، به رسول الله (ص)، منحصر نبوده بلکه تابعان ایشان نیز داعیان به الله با بصیرت و شهود باطنی» هستند؛ بنابراینهمان طور که برای رسیدن به خداوند باید به پیامبر اکرم رجوع کرد، رجوع به افرادی که به الله رسیده، آن راشهود کرده، به ظرایف مسیر بندگی و سلوک الی الله بصیرت داشته و مراحل آن رانیزطی کرده‌اند، ضرورت دارد. این تعبیری دیگر از ضرورت و لزوم استاد در سلوک إلی الله است.

کجاست اهل دلی تا کند دلالت خیر؟ که ما به دوست، خبر دهیم ره به هیچ طریق

عمری است برای رسیدن به مقصود حقیقی خویش، هر طریقی که گمان می‌بردیم به دوست رهنمون شود، پیمودیم ولی حاصلی بدست نیاوردیم. کجاست صاحب کمالی که ما را بدو آشنا، و به دیدارش خوشدل سازد! که، طوبَی لِمَن سَلَکَ طریق السلامهٔ ببعد من بصَّرهُ و طاعهٔ ها دامره؛ «خوشا به حال آن که با دیده کسی که بینایش گَرداند، و پیروی ازراهنمایی که او را درکارش هدایت نمود، راه سلامت را پیمود» (غررو درر موضوعی، باب الهدایهٔ ص ۴۲۱) نیز، من یطلب الهدایهٔ من غیر اهلها یضل «هر کس هدایت را از غیراهل آن طلب نماید، گمراه می‌شود» (غرر و درر موضوعی، باب الهدایهٔ ص ۴۲۲).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

به گفته خواجه شیرازی

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم که من به خویش نمودم صد اهتمام ونشد؟

به فرموده‌ی امام خمینی (ره) خودرو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین طور ازداشتن مربی اخلاقی و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود چطور شد علم فقه و اصول به مدرس نیاز دارد درس و بحث می‌خواهد برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لیکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیاء و از لطیف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد. (جهاد اکبر یا مبارزه با نفس ص ۱۱)

آیت الله سعادت پرور(ره) در شرح خود بر دیوان حافظ در خصوص لزوم استاد و دیدگاه حافظ در این باره می‌فرمایند: بر هیچ عاقلی پوشیده نیست که بدون استاد نمی‌توان بر هیچ یک ازعلوم مادی (لوازم ادامه حیات) و غیرمادی (علوم مختلفه) آگاهی یافت، سیر و سلوک و رسیدن به مقامات عالیه انسانیت فراتر از هر علمی و مشکل‌تر از هر هنری است که ممکن نیست بدون استاد و راهنما به پایان رسانید، لذا بر طالبین این راه است که قبل از هر چیز، استاد و مرشدی پاکیزه سیرت و اگاه بر مبانی اسلام را که خود نیز استاد دیده باشد برگزینند تا بتوانند با عمل به دستورات وی راه پرخطر و عظیم الهی را طی نمایند. در کتاب‌ها و رساله‌های اهل کمال نسبت به این امر مهم بسیار سفارش شده است، و چنانچه استاد خود استاد شایسته ندیده و یا کامل نبوده و یا عقاید خود را با مبانی اسلام منطبق نکرده باشد، نه تنها خود در گمراهی است، بلکه دیگران رانیز به مهلکه و اشتباه انداخته و باعث تضییع عمر و نابودی جسم آنان می‌گردد؛ و حتی اگر کسی با جذبه، به مطلوب و گوهی یکتایی هستی دست یافته باشد، اگر چه کامل هم باشد، نمی‌تواند راهنمای دیگران باشد، زیرا خود راه و چاهی ندیده. (جمال آفتاب، ج۳، ص ۱۱)

ملاک استاد از دیدگاه خواجه حافظ شیرازی

چنانچه از قرائن و شواهد برمی‌آید، خواجه حافظ شیرازی در ابتدای سیرو سلوک اویسی بوده (یعنی می‌خواسته خودبه‌خود چون اویس قرنی به گوهر مقصود راه یابد) وچون پس از مجاهدات و ریاضات زیادی نتوانسته بدون استاد از طریق کشف و شهود به معارف الهی دست یابد، می‌گوید:

گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد بسوختیم در این آرزوی خام و نشد.

فغان که در طلب گنج گوهر مقصود شدم خراب جهانی ز غم تمام و نشد.

دریغ ودرد که در جست‌و جوی گنج حضور بسی شدم به گدایی کبیر کرام و نشد.

و لذا به همین جهت دیگر سالکان را راهنمایی کرده و می‌گوید که نباید بدون استاد دراین راه قدم. بگذارند زیرا وی سال‌ها این روش را تجربه نموده است که می‌گوید:

به کوی عشق مَنِه بی دلیل راه قدم که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

به کوی عشق مَنِه بی دلیلِ راه قدم که گم شد آنکه دراین ره به رهبری نرسید.

و در مواردی، به واسطهٔ فیض بودن استاد از جانب دوست اشاره کرده و می‌گوید:

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا.

چو با حبیب بنشینی و باده پیمایی. به یاد آر حریفان باده پیما را.

و در چند مورد از استاد و راهنمای کامل سخن می‌گوید و اینکه استادِ غیر کامل نمی‌تواند راهنما باشد.

مراد دل ز که جویم که نیست دلداری که جلوهٔ نظر و شیوه کرم دارد.

ز جَیب خرقهٔ حافظ چه طرف بتوان بست که ما صمد طلبیدیم و اوصنم دارد.

و درمواردی به لزوم تبعّیت از استاد سفارش کرده و می‌گوید:

گذار بر ظلمات است خضر راهی جو مباد کاتش محرومی، آب ما ببرد.

بیان مسئله

چرا در مسائل فقهی از روح آنان مدد نمی‌گیرید و به فقیه مراجعه می‌کنید؟ و چرا در مسائل تفسیری از روح امیرالمؤمنین(ع) استمداد نمی•کنید؟ چرا برای حل معضلات مسائل حکمت و فلسفه از جان ولایت نیرو نمی‌طلبید؟ و چرا حوزه علمیه تشکیل می‌دهیدو دانشگاه بنا می‌کنید؟چرا به رفتن به بیغوله‌ها و خلوت‌کده‌ها برای استمداد باطنی بع جان ولایت درباره حل این مسائل پناه نمی‌برید؟

آیا اهمیت آن مسائل بیش از عرفان الهی است که عرفان به مختصر تو جهی به باطن حل شود، ولی در دیگر مسائل حتماً باید پی‌جویی‌های دقیق و عمیق کنیم؟ وشما برای ما بیان کنید به کدام دلیل و حجت به موضع تزکیه و اخلاق و تربیت نفس که از مهم‌ترین مسائل است از سایر موضوعات جدا شد؛ و حکم خاصی پیدا کرد که برای حصول آن صرف توجه به باطن و توسل به ارواح اهل بیت (ع) کفایت کرد؟ اما در سایه موضوعات، نیاز به استاد ومربی و رهبر و راهنمای خبیرو بصیر و زند ه پیداشد؟ نه چنین نیست بلکه حق مسئله این است که ما به واسطه‌ی عدم اعتقاد به مسائل اخلاق و تطهیر نفس و تزکیه سرّ، برای آنکه یک بار، شانه خالی کنیم، همه را یکسره انکار کردیم، و از نظر آن که ظاهراً نمی‌توانستیم انکار کنیم و برهان علمی و شرعی و عقلی بر علیه ما قائم می‌شد، لذا لفظاً قبول نموده، و معنی را رها کردیم، و آن را به خدا و رسول و امام سپردیم، و خود نیز از خط مجاهده بیرون هستیم. آیات قرآن و روایات وارده، ما را امر به لزوم پیروی اهل خبره و دانش می‌کند. و به طور اطلاق این مهم را گوشزد می‌سازد؛ و ما در تمام آیات و روایات یک آیه و یا یک روایت نمی‌یابیم که امور اخلاقی و عرفانی را تخصیص بزند و آنان را موکول به عالم غیب کند؛ و ما را از نیاز به استاد و مربی معذور بدارد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید :فسئلُوا أهل الذِکر إن کُنتُم لا تعلمُونَ «اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید» (سوره نمل، ۶۳)

بسیاری از دلایلی که در خصوص لزوم تقلید فرد غیرمجتهد وجود دارد، اختصاصی به باب فتوا و قضاوت ندارند؛ زیرا بسیاری از آن دلایل نیست به اخلاق و عرفان نیز عمومیت دارند. بر این اساس دلیلی که در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

باب وجوب رجوع عامی به شخص عالم ارائه می‌کنیم، لزوم رجوع همه شخص جاهل به هر شخص عالم، در هر موضوعی را می‌رساند.

نقش استاد عام و خاصّ در سلوک

استاد عام، کسی است که مقام و منزلت توحیدی ومعنوی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) را درک کرده و در آن مقام و منزلت با ایشان همراه است و بر سر سفره توحیدی ایشان نشسته و از مائده‌ی فضل و شرم آنان سفره‌های خاص می‌برد. سالکان در زمان غیبت با تبعیت از تابعان رسول الله (ص) و نایل شدگان به مقام مخلَصین، در مراتب نورانیت امام (ع) سیر می‌کنند تا این که با هدایت استاد عام به محضر حقیقی امام(ع) مشرف می‌شوند. پس از توطن سالک در عالم لاهوت و گذر این شهود از حال به مقام تحت انفاس مبارکه‌ی استاد عام، دیگر شاگردی سالک نزد او لزومی ندارد. بر این اساس، پس از رسیدن سالک به محضر حقیقت امام، سیر سالک با استاد عام به پایان رسیده است و استاد عام، شاگرد پیشین خود را به خود امام سپرده و رابطه‌ی استاد و شاگردی میان ایشان منفسخ می‌شودو سالک به مقصد رسیده و استاد عام، پس از آن، رفیق سلوکی هم بوده و در عالم لاهوت و بهره‌مندی از حقیقت رسول الله (ص) یاور همدیگر خواهند بود؛ براین اساس سیر سالکین از یک نظر دو مرحله‌ای است. مرحله‌ای با استاد عام سپری می‌شود و مرحله‌ای با استاد خاص طی می‌گردد. سلوک با استاد عام انتها و مقصد روشنی دارد. پس از نیل سالک به این مقصد و پایان تربیت استاد عام نسبت به او، سیر سالک با استاد خاص آغاز می‌شود که این مرحله از سلوک نامتناهی بوده و نهایتی ندارد؛ بنابراین سالک در هیچ حالی از همراهی باطنی رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان (ع) بی‌نیاز نمی‌شود. علامه طباطبائی (ره) در این باره می‌فرمایند: استاد خاص، آن است که به خصوص منصوص به ارشاد و هدایت است و آن رسول خدا و خلفای خاصّه حقه او هستند؛ و سالک در هیچ حالی از احوال از مرافقت و همراهی استاد خاص گریزی نیست؛ اگر چه به وطن مقصود رسیده باشد. البتّه مرادهمان مرافقت باطنی امام است با سالک نه فقط همراهی و مصاحبت در مقام ظاهر و همچنین بعد از وصل نیز مراقبت امام لازم است چون آداب کشور لاهوت را نیز او باید به سالک بیاموزد، بنابراین مرافقت امام در هر حال از شرایط مهمه بلکه از اهم شرائط سلوک است. در اینجا نکاتی است بس دقیق که در بیان نیاید و فقط باید خود سالک به وسیله ذوق آن حقایق را دریابد (رساله لب الباب در سیر و سلوک اولی الالباب، ص ۱۳۳ و ۱۳۴)

اهمیت تلاش برای یافتن استادکامل

یافتن یک استاد کامل به قدری اهمیت دارد که آیت الله سید علی قاضی(ره) فرمودند:چنان چه کسی که طالب راه و سلوک طریق خدا باشد، برای پیدا کردن استاد این راه، نصف عمر خود را درجست‌و جو و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

تفحص بگذراند تا پیدا نماید ارزش دارد «و می‌فرموده است: کسی که به استاد رسید نصف راه را طی کرده است.» (رساله سیرو سلوک منسوب به بحر العلوم ص ۱۹۶)

این فرمایش قرآن کریم: اگر کسی تمام عمر خود را برای یافتن استاد کاملی گذاشت و نیافت ضرر نکرده است. «اما این بیان در کجای قرآن کریم آمده است؟ پس از اینکه خداوند سبحان تورات رابر حضرت موسی(ع) نازل کرد و موسی(ع) فرعون را نابود کرد و معجزات بسیار به دست حضرت ظهور یافت به نقل امام صادق(ع) موسی(ع) در درون خود گفت: ما أری أن الله عَزّوجل خَلقَ خلقا اعلَمُ مِنّی؛ به نظرم خداوند عزوجل مخلوقی عالم‌تر از من خلق نکرده است». امام صادق(ع) در خصوص این حالت حضرت موسی(ع) می‌فرمایند: جهت بشری حضرت کار خودش را کرد.

خداوند به جبرئیل وحی فرستاد که بنده‌ام را پیش از اینکه هلاک شود، دریاب و بگو نزد تلاقی دو دریا مرد عابدی هست. تابع او شو و هر علمی که از تو فوت شده را از او بیاموز)

جبرئیل نازل شده و به آن چه خداوند عزوجل او را امر کرده بود و موسی(ع) فهمید که این نتیجه همان چیزی است که در درون خود گفت (علل الشرائع ج ۱ ص ۶۰) چون حضرت فهمید که با ظهور جهت بشری‌اش، از مقتضای مقام و منزلت مخلصین خارج شده است و برای نجات از این مهلکه نیاز به علمی خاص دارد که نزد او نیست. خداوند سبحان به او فرمود که این علم نزد بنده‌ی دیگری در مجمع البحرین است و تو باید آن علم را از او بیاموزی. از این رو ایشان وصی خود یوشع بن نون(ع) را فراخواند و گفت: لا أَبرَحُ حتّی أَبلُغَ مَجمَعَ البَحرینِ اؤ أمضی حُقبا: دست از جست‌و جو برنمی‌دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم هر چند روزگاری دراز به راه خود ادامه دهم (سوره کهف ۶۰)

ویژگی‌های استادی که می‌تواند ما را به مقام توجیهی و معنوی رسول الله(ص) برساند.

در آیه دعوت آمده است: قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرۀ انا و مَن اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین؛ بگو این راه من است که من و تابعانم، از روی بصیرت و شهود باطنی به خدا دعوت می‌کنم، خدا منزه است و من از مشرکان نیستم (سوره یوسف۱۰۸) رسول الله(ص) خود را داعی الی الله علی بصیرۀ می‌دانند. بصر، عموما به دیدگان سَر و بصیرت به دیدگان قلب اطلاق می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرمایند: من براساس قواعد نوشته شده و نقشه‌های ترسیم شده، راهبری نمی‌کنم؛ بلکه نسبت به راه بصیرت دارم؛ یعنی راه مشهود من و مقصد و مقصود، در آغوشم است.

گفته شد که تعبیر، ادعوا الی الله علی بصیرۀ انا و مَنِ اتبعنی «بیانگر این حقیقت است که دستگیری‌های سلوکی برای رسیدن به مقصد، به رسول الله (ص) منحصر نیست، بلکه حضرت تابعانی دارند که آنان نیز ایمان به سوی خدا با بصیرت و شهود باطنی هستند»: بنابراین براساس این آیه شریفه، استاد سیر الی الله دو خصوصیت اساسی دارد. اول به خدا فرامی‌خواندو دوم دعوت او از روی شهود باطنی فراگیر نسبت به مقصد و مسیر است. توضیح این ویژگی‌ها:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ویژگی اول: دعوت به خدای متعال

برخی بندگان خدا را برای جمع‌کردن ثواب با تحمیل زیادی عبادات فرامی‌خوانند؛ برخی ریاضات مشقت‌آمیز و اوراد و اذکار عجیب و غریب پیشی گرفته و به تقویت نفس فرا می‌خوانند، برخی به اخلاق دعوت می‌کنند و می‌خواهند از ما در مبارزه با رذایل نفسانی، انسانی اخلاقی درست کنند. از طرفی طریقه‌های تربیتی فراوانی هستند که امکان رسیدن بشر به توجه محض، ولایت مطلق و مقام نورانیت، منزلت مخلَصین، فنای فی الله و بقای به ذات الله را انکار می‌کنند؛ زیرا نه مبانی نظری آنان اجازه می‌دهد، نه روش آنان این توانایی را دارد. ولی ما به دنبال دیدار حضرت دوست هستیم و هر کجا نشانی از او ببینیم سرخواهیم نهاد.

ویژگی دوم: بصرت باطنی

پیامبر خدا (ص) فرمودند: من براساس قواعد نوشته شده و نقشه‌های ترسیم شده، راهبری نمی‌کنم؛ بلکه نسبت به راه بصیرت دارم؛ یعنی راه مشهود من و مقصد و مقصود راه، در آغوشم است. بعید نیست که اتصال، «هٔ» به انتهای بصیر و تبدیل آن به بصیرهٔ برای مبالغه‌ی بیش از پیش در معنای انکشاف قلبی توحیدی باشد؛ در نتیجه معنای بصیرهٔ نحوه‌ی انکشافی خواهد بود که تمام حقیقت توحید و اسمای حسنای خداوند تبارک و تعالی برای صاحب آن منکشف باشد. ادامه‌ی آیه‌ی دعوت نیز نشان می‌دهد که راهبری و رساندن بندگان خدا به بارگاه الهی و مقام خلیفهٔ اللهی به رسول الله(ص) منحصر نبوده، بلکه تابعان ایشان نیز، داعیان به خدا، بصیرت و شهود باطنی هستند»، «أنا و مَنِ اتَّبَعنی»

ویژگی سوم: شهود توحید

برخی، در عرفان نظری ورود خوبی دارند و از اساتید آن نیز به شمار می‌آیند، اما این به این معنا نیست که استاد سلوک باشند؛ تربیت سلوکی کاربرد لفظ نیست بلکه پیاده کردن همه‌ی مراتب توحید در وجود سالک و رس.

ویژگی چهارم: اشراف استاد

استاد بایستی شهودی فراگیر داشته باشد و عرف ثبوت برخی مراحل شهود برای استاد کفایت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، استاد سیر الی الله، علاوه بر نیل به مقصد، باید به همه‌ی عوالم سیر الی الله، اشرافی شهودی داشته باشد و همه‌ی آن عوالم برای او منکشف باشد. زیرا خطرات بسیاری سالک را در مسیر سیر عبودّیت تهدید می‌کند و استاد با تذکرات و راهنمایی‌های لازم، سالک صادق را از مراحل گوناگون عبور می‌دهد و با ضجّه‌ها و ناله‌های شبانه‌ی خود، آن موانع را از پیش روی شاگردان خود کنار می‌زند. در واقع اگر هم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

حالی هست از جانب استاد است و اشک‌های شبانه و دعاهای خالصانه‌ی اوست که حالات و تجلیات را نصیب سالکین می‌کند.

مبادا این مطلب بر خواننده‌ی محترم دشوار آید و آن را عجیب و شگفت شمارد. برای تقریب به ذهن می‌توان گفت: تربیت سالک به دست استاد که پدر معنوی اوست، همانند تربیت ظاهری کودک به دست پدر ظاهری است. پدر ظاهری با اشرافی که در خصوص خطرات پیش‌روی فرزند در مراحل مختلف رشد ظاهری دارد، مراقب او است که آلوده نشود وندانسته خود را به هلاکت نیندازد. از طرفی کودک در دل شرایطی که پدر فراهم می‌کند و زحماتی که برای او متحمل می‌شود، رشد می‌کند و بالا می‌آیدو هیچ کودکی بدون این که کسی خطرات رابرای او کنار بزند و شرایط رشد و نمو را برای او فراهم کند، به جایی نمی‌رسد. سلوک الی الله نیز همین طور است. برخی از تصمیماتی که می‌گیریم، جهت زندگی انسان را به کلی عوض می‌کنند و سلوک اورا به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر انسان سر به هوا باشد و تحت مراقبت فرد بصیر دارای اشراف باطنی نباشد، خود را به هلاکت انداخته و استعدادهای خود را به هدر می‌دهد.

آری، تربیت شاگرد مستلزم اشراف استاد براوست. و ولی خدا بر شاگرد خود اشراف داشته و از دور ناظر احوال وی است واو را از خطرات عظیم نفسانی ولغزش‌هایی که موجب خروج از مسیر می‌شود، محفوظ می‌دارد و برای شکستن أنانیت وی و حفظ او در راه عبودیت می‌کوشد؛ ولی لازم نیست به مشکلات سلوکی جزئی و امور غیر خطیر و یا مسائل معیشتی شاگرد التفات تفصیلی داشته باشد؛ مگر اینکه امر اراده‌ی او تعلق بگیرد و روش تربیتی اساتید در این امور گاهی تفاوت‌هایی دارد. (نور مجّرد، ص ۳۴۰، ص ۳۴۱، با اندکی تصرف)

ملاک استاد از دیدگاه علامه طباطائی (ره)

علامه طباطبائی (ره) در خصوص شرط بودن کمال انسانی برای استاد می‌فرمایند: استاد عام شناخته نمی‌شود مگر به مصاحبت و مرافقت با او در خلأ و ملأ تا به طور یقین برای سالک واقعیت و یقین او دستگیر شود، و ابداً به ظهور خوارق عادات و اطلاع بر مغیبات و اسرار خواطر افراد بشر، و عبور بر آب و آتش، و طی‌الارض و الهواء، و استحضار از آینده و گذشته و امثال این غرائب و عجائب نمی‌توان پی به وصول صاحبش به مقصد برد؛ زیرا که این‌ها همه در مرتبه مکاشفه روحی حاصل می‌شود و از آنجا تا سر حد وصول و کمال، راه به نهایت دو راست و تا هنگامی که در استاد تجلیات ذاتی ربانی پیدا نشود استاد نیست، و به مجرد تجلیات صفاتی و اسمائی نیز نمی‌توان اکتفا کرد و آن‌ها را کاشف از وصول و کمال دانست (رساله لب اللباب، ص ۱۳۵ و ۱۳۶)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

هر چه استاد کاملتر باشد، تصرفات کمتری انجام می‌دهد.

اگر به سیره اهل بیت (ع) مراجعه کنیم درمی‌یابیم که آنان جز در شرایط خاصی، آن هم به امر خداوند به صلاح دید شخصی و دل‌سوزی‌های فردی، اعمال کرامت و خرق عادت نمی‌کردند. برای مثال؛ امام علی(ع) مگر معاذالله از مرحوم نخودکی کمتر بودند که جزامیانی که به آنان رسیدگی می‌کردند را شفا دهند؟ یا چرا به جای صرف بخشی از زمان عبادت و تهجدهای شبانه‌ی خویش برای توزیع غذا و تقسیم نان و خرما درمیان فقیران، دعا نمی‌فرمودند و از خداوند سبحان نمی‌خواستند که به این فقیران به قدر کفاف روزی دهد، تا نه حضرت آن مقدار متحمل زحمت شوند و وقت شریفشان صرف آنان گردد

ونه آن خانواده‌های نیازمند شرمنده و خجل گردند؟! حتی همین مقدار هم در سفره‌های الهی دست نمی‌بردند وهیچ چیزی را از جایی که خداوند علیم و حکیم برای آن تعیین فرموده، جز به امر خداوند تغییر نمی‌دادند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

ـ قرآن.

ـ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت داراحیاءالتراث العربی۱۴۰۴ه ق.

ـ شمس الدین، حافظ شیرازی، دیوان.

ـ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. تصنیف غررالحکم و دررالحکم. قم:دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.

ـ خمینی، روح الله، جهاد اکبر، تهران موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)۱۳۹۴ش.

ـ سعادت پرور، علی، جمال آفتاب، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور۱۳۶۸.

ـ حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، رساله لب الالباب در سیروسلوک اولی الالباب، مشهد مقدس، علامه طباطبایی.

ـ بحرالعلوم، سید مهدی. رساله سیروسلوک منسوب به بحرالعلوم. مشهد مقدس:علامه طباطبایی.

ـ ابن بابویه، محمدبن علی. علل الشرائع. قم:کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.

ـ سعادت پرور، علی، رسائل عرفانی، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور۱۳۶۸.

ـ حسینی تهرانی، سیدمحمد صادق، نورمجرد. مشهد مقدس:علامه طباطبایی، ۱۴۳۳.

ـ تفسیر عرفانی سوره حمد حضرت امام خمینی ره.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]